

شنبه • ۲۵ آبان ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۸۱ • ۷

شرق روزنامه

سیاست • روزنامه

رابطه با انگلیس، تحت‌تأثیر رابطه با آمریکااست	صفحه ۸
شعر خوانی «پوشکین» در سئول	صفحه ۱۰
حافظه تاریخی در مصر صدمه می‌زند	صفحه ۱۰

طلیعه

یک قرن مناسبات عجیب ایران و بریتانیا



صادق زیباکلام استاد دانشگاه

شاید سختی به گزاف نرود اگر گفته باشیم رابطه ما ایرانی‌ها با انگلیسی‌ها بسیار پیچیده، عجیب و منحصر به فرد بوده است. این البته فقط حکومت‌هایمان نبوده‌اند که در مجموع، رابطه خیلی خاصی با انگلیسی‌ها داشته‌اند.انفاقا بسیاری از ایرانیان غیرحکومتی اعم‌از‌نخبگان سیاسی تا نخبگان فکری و فرهنگی تا مردم عادی هم همچون اصحاب حکومت، یک احساس مخصوصی نسبت به انگلیسی‌ها دارند. احساسی که نه به روس‌ها دارند نه به فرانسوی‌ها، نه آلمانی‌ها و نه اتفاقا به آمریکایی‌ها، با وجود همه اینها، سوال اساسی آن است که آن «احساس ویژه» نسبت به انگلیسی‌ها چرا به وجود آمده است؟ اما پرسش دیگری که حتی قبل از این مطرح می‌شود آن است که این «احساس ویژه» نسبت به انگلیسی‌ها چیست و چگونه است؟ آیا حس عشق و علاقه به انگلیسی‌هاست یا برعکس احساس کینه و انتقام؟ آیا احساس اعتماد و اطمینان داشتن به انگلیسی‌هاست یا بر عکس احساس بی‌اعتمادی و نداشتن هیچ اطمینانی به آنها؟واقع مطلب آن است که توصیف احساس ما ایرانی‌ها نسبت به انگلیسی‌ها خیلی دشوار است چراکه این احساس آمیخته‌ای از احساسات زیادی است. البته بسیاری از این احساس‌ها منفی‌اند. «بی‌اعتمادی» را شاید بتوان برجسته‌ترین یا بارزترین عنصر آن «احساس تیره» دانست.

بخش دیگر آن «احساس ویژه» عبارت است از یک حس غریب «نفرت». من مخصوصا نفرت را در داخل گیومه گذاشتم چون توضیح پیرامون آن، مقداری پیچیده است. ما ایرانی‌ها از ملت‌ها و مردمان دیگر هم نفرت داریم اما جنس آن نفرت با «نفرت» از انگلیسی‌ها تا حدود زیادی متفاوت است. خیلی از ما ایرانی‌ها نسبت به اعراب هم نفرت داریم یا از افغانی‌ها و روس‌ها هم خیلی خوششان نمی‌آید. اما ذات یا جنس نفرت از انگلیسی‌ها متفاوت است. نفرت از انگلیسی‌ها با یک آمیزه‌ای از احساس تحقیر شدن، احساس ضعف و درماندگی همراه است. ما نسبت به اعراب یا روس‌ها هم تحقیر شدن نمی‌کنیم. جالب است رابطه پیچیده ما ایرانی‌ها با انگلیسی‌ها که با وجود همه دشمنی‌ها و «مرگ بر آمریکا» گفتن‌ها، ما هیچ احساس تحقیر شدن یا ضعف و درماندگی نسبت به آمریکایی‌ها نداریم. اما نسبت به انگلیسی‌ها، اینگونه نیست، بخشی از آن بغض و کینه، بخشی از آن «نفرت» نسبت به انگلیسی‌ها به واسطه آن احساس تحقیر شدن در گذشته‌مان بوده و به واسطه آن است که در طول بیش از ۱۵۰ سال ما واقعا توسط انگلیسی‌ها تحقیر می‌شدیم. در زمان به قدرت رسیدن قاجارها در ابتدای قرن نوزدهم و تا اواسط قرن بیستم و دقیق‌تر گفته باشیم تا بعد از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳)، ما توسط انگلیسی‌ها تحقیر می‌شدیم. شاید تحقیر لغت درستی نباشد اما به هر حال ما در مملکت خودمان زندگی می‌کردیم اما این انگلیسی‌ها بودند که صاحب منصب، صاحب نفوذ، جنتملن، آقا، ارباب و بزرگ بودند. ما برای آنها کار می‌کردیم. انگلیسی‌ها از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر آمده بودند و حال اینکه نه ما مستعمره بودیم و نه آنها رسما بر ما حکومت می‌کردند، اما همه می‌دانستیم که آن سفارت‌خانه چقدر پرنفوذ است. همه می‌دانستیم که آن سفارت‌خانه دولت می‌آورد و دولت می‌برد. گفتنش تلخ است، اما آنها در مملکت ما ارباب بودند و ما رعیت. آنها البته هرگز نه خودشان را ارباب می‌خواندند و نه ما را رعیت. اما نیازی به برجسب و یونقیورم نبود. مشخص بود که چه کسی آقا و ارباب و صاحب منصب است و چه کسی مالدون مشخص بود چه کسی برای چه کسی کار می‌کرد. مشخص بود چه کسی به چه کسی خدمت می‌کرد. حتی اگر انگلیسی‌ها نمی‌خواستند که به ما به چشم ملت و کشوری عقب‌مانده، بی‌سواد، بی‌اطلاع از دانش‌های مدرن، بی‌اطلاع از دنیا و فقیر، درمانده و… نگاه کنند، خودمان در مواجهه با انگلیسی‌ها عملا در چنین جایگاهی قرار می‌گرفتیم. بگذارید برای اینکه مدتی نظریه‌پرداز نکرده باشیم، چند مثال برایتان بیاورم. در افزایش سلطنت فتحعلی‌شاه که نیاکان ما او را ظل الله (سایه خدا) می‌دانستند، سفیر انگلستان برای دیدار شاهنشاه ایران در کاخ گلستان حضور می‌یابد. می‌دانم باور نمی‌کنید، اما یکی از سلاوات اعلیحضرت آن بوده که از مترجم می‌خواهد از سفیر بپرسد که «کاخ گلستان» را اگر حفاری کنیم به ینگهدنیا(آمریکا) می‌رسیم.

انگلیسی‌ها علی‌القاعده خیلی نمی‌توانستند برای ما ارزش و احترامی قابل شوند وقتی شخص اول مملکت‌مان تصورش این بوده که با کندن زمین ما به ینگه دنیا (آمریکا) می‌رسیم. مثال دوم پیرامون مناسبات مالی است. اگر درست‌تر گفته باشیم، حاکمیت مملکت‌مان همواره درصدد گرفتن پول یا کمک مالی از انگلستان بود. برخی از رجال‌مان به واسطه دریافت مبالغی از انگلیسی‌ها، سرسپرده شده بودند. خود حکومت وضع بهتری نداشت. از نیمه دوم قرن نوزدهم و با افزایش هزینه‌های حکومت به واسطه گسترش دربار و نهادهای حکومتی از یک‌سو و سفرهای پادشاه و همراهان به اروپا، هر روز بیش از پیش حکومت ایران تقاضای «کمک» از اروپایی‌ها و در راس همه از انگلستان داشت. یکی از راه‌های گرفتن وام، آن بود که امتیازاتی به وام‌دهنده داده شود. انگلیسی‌ها چه در قالب دولت و چه در قالب افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکومت ایران وام می‌دادند و در مقابل امتیازات مختلف دریافت می‌کردند. این امتیازات عملا به معنای تسلط کمپانی یا حکومت انگلستان بر آن حوزه می‌شد. هر قدر «کمک» مالی انگلستان به حکومت و مقامات ایران بیشتر می‌شد به همان میزان هم نفوذ و نقش انگلستان در حیات و ممات سیاسی ایران افزایش می‌یافت.

ادامه در صفحه ۸

گزارش

تأثیر حمله به سفارت انگلیس تاوان ناپختگی



فرحناز زرین‌نعل

حمله و ورود به سفارت بریتانیا واقع در خیابان فردوسی تهران، در تاریخ هشتم آذر ۱۳۹۰ یکی از بحث‌برانگیزترین وقایع دهه اخیر در حوزه دیپلماسی به‌شمار می‌رود که در شرایط دشوار کشور در میانه دولت دهم، سبب شد تا شرایط خارجی بر ضد ایران، تشدید شود. این اقدام که از سوی برخی ناظران، تقلیدی غیرواقعی و غیروارد از تسخیر سفارت آمریکا توسط جمعی از دانشجویان پیرو خط امام در ۱۲ آبان ۵۸ تاقی و ارزیابی شد در حالی به‌وقوع پیوست که شهپات فراوانی پیرامون ماهیت اقدام‌کنندگان که خود را دانشجو نامیده و از این اقدام به‌عنوان واکنش «جنبش دانشجویی کشور» یاد می‌کردند وجود داشت. مهم‌تر از آن، استقلال این حرکت از برخی نهادهائیز از دیگر مسایل مورد بحث بود. خبر اینطور مخایره شد: «ساعت ۱۴ روز هشتم آذر سال ۹۰، جمعی از دانشجویان و معترضان به سیاست‌های دولت بریتانیا در قبال جمهوری اسلامی ایران، پیرو تصویب قانون «کاهش سطح روابط دیپلماتیک با دولت بریتانیا» در مجلس شورای اسلامی، با تجمع مقابل سفارت این کشور ضمن تسخیر سفارت خواستار اخراج دیپلمات‌های انگلیسی از ایران شدند.معترضان با در دست داشتن تصویر چند نفر از شهدای هسته‌ای سال‌های اخیر از جمله «مسهود علی‌محمدی» و «مجد شهریاری» به سر دادن شعارهای تنش‌های این مقطع است. نیروهای مسلح ایران، آنها را سوار بر شناور دستگیر کرده و پرداختند» در ادامه ماجرای بالا رفتن آنها از دیوار سفارت و ورود به آن رخ می‌دهد و این آغازی بود بر پایان روابط دیپلماتیک دو کشور. شاید تحلیل این

رویداد با نگاهی جامعه‌شناسانه اندکی فراتر از خط قرمزهای موجود به نظر برسد، اما از آنجا که مجریان آن معتقدند خاستگاهی اجتماعی و مستقل از دولت و حکومت داشته‌اند و منتسب به هیچ ارگان یا نهاد وابسته و غیروابسته‌ای نیستند در نقد یا مدح آن، آزادی عمل بیشتری به چشم می‌خورد. با توجه به نقد مسوولان ارشد دولت دهم نسبت به این حرکت، ماجرای حمله به سفارت انگلیس از درجه‌ای مورد قضاوت قرار می‌گیرد که کمترین اصطکاک را با بدنه دیپلماسی خارجی دولت سابق داشته باشد. به هر حال اشغال سفارت بریتانیا، آن هم تنها به دلیل قانونی که توسط مجلس قانونگذاری کشور به تصویب رسیده است و بحث کاهش سطح روابط را دنبال می‌کند، منطقی نیست. به عبارت دیگر، نمی‌توان تنها با استناد به تصمیم یک‌جانبه دولتی در قبال دولت دیگر، زمینه حذف امتیازات منتسب به آن دولت را فراهم کرد، بدون اینکه هرگز توافقی بر سر این موضوع صورت پذیرفته باشد.
سفارت یک کشور در کشور دیگر، خاک قانونی آن کشور به شمار می‌رود و هر نوع تعرض یا تجاوز به آن، حتی اگر تهدید تمامیت ارضی آن کشور قلمداد نشود – که خود زمینه‌ساز جنگ و طرح گزینه‌های نظامی است – قطعاً در شمار مصادیق نقض حقوق قانونی آن کشور به حساب می‌آید که پیگیری آن توسط مراجع قضایی بین‌المللی برای کشور میزبان نتایج تامل برانگیزی به‌همراه خواهد داشت.

ادامه در صفحه ۸



صحنایی از واژگون کردن تابلو شرکت نفت انگلیس و ایران در معنرای ملی شدن صنعت نفت

انگلیس، دوست است یا دشمن؟

دیپلماسی اشک‌ولبختد

و دیگر بازنگران فرامنطق‌ای تعیین شده اما جایگاه این قدرت اروپایی همواره در میان سه‌شریک اول ایران در جهان، محفوظ بود. در این میان، نوع حضور بریتانیا در ایران که شیوه‌ای استعماری لقب گرفته و در چارچوب نگرش وقت مسوولان این کشور به منطقه و شاید جهان قابل‌ارزیابی بود، سلفقه خوبی از این کشور در انهام باقی نگذاشت. به جز کارشکنی‌های این کشور در جریان انقلاب مشروطه، جنگ‌های جهانی، موضوعات داخلی ایران در عهد قاجار و روی کار آورده‌شدن سلسله پهلوی با به قدرت‌رساندن رضاخان میرپنج، ماجرای ملی‌شدن صنعت نفت و نوع مواجهه این کشور با دولت ملی دکترمحمد مصدق در زمان پهلوی دوم که به تحریم نفت ایران و قطع روابط دو کشور انجامید، در جمله فرا‌های عبرت‌آموز تاریخ معاصر است. انگلستان پس از این ماجرا و به سبب ناتوانی در مواجهه با ملیون ایران، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را در کنار ایالات‌متحده طراحی و اجرا کرد و عجیب است که در ماجرای این کودتا، بیش‌تر نام آمریکا شنیده می‌شود تا انگلستان! اخیرا وزیر پیشین خارجه و نماینده کنونی مجلس عوام انگلیس را حضور در شبکه «بی‌بی‌سی» به سلفقه تیره انگلیس در تحولات ایران اشاره و در عین حال گفت اکنون مردم بریتانیا بهبود روابط با ایران را خواستارند. او در این گفت‌وگو به نقش گسترده دولت انگلیس و مداخلات این کشور در تحولات ایران پیش از وقوع انقلاب اشاره و در بخشی از این برنامه در پاسخ به سوالی در مورد حمایت دولت بریتانیا از کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت قانونی ایران، نسبت به این اقدام، ابراز تاسف کرد: «این تصمیم اشتباهی بوده که آمریکا و بریتانیا اتخاذ کردند تا از حکومتی حمایت کنند که از حمایت مردمی برخوردار نبود. نقش انگلیس در این کودتا موجب شد تا سلفقه بدی از لندن در ذهن ایرانی‌ها بماند. انگلیس نگاهی استعماری به ایران داشت، تلاش می‌کرد تا از نفت این کشور سوءاستفاده کند، محمدرضاشاه را روی کار آورد، از وی حمایت کرد، در جنگ ایران و عراق به همراه دیگر کشورهای عربی «صدام حسین» را حمایت تسلیحاتی کرد. با این حال انگلیس اکنون دیگر یک ابرقدرت نیست و بخش بزرگی از مردم آن خواهان رابطه بهتر با ایران هستند»

۳دهه بر تنش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ میلادی، به‌طور طبیعی کشورهای غربی نسبت به د دست‌دادن رابطه با شاه مخلوع ایران، احساس رضایت نداشتند اما در سال نخست انقلاب، روابط با ایران و دولت موقت را ادامه دادند. بعد از ماجرای گروگانگیری در سفارت ایالات‌متحده، سفارت بریتانیا هم با ادعای نبود امنیت، کارکنان خود را فراخواند و چند کارمند به بخش حافظ منافع در سفارت سوئد، فرستاده شدند. پس از آن شش ایرانی مسلح در حملهای به سفارت ایران در لندن، کارکنان ایرانی را به گروگان گرفتند. برخی این افراد را وابسته به رژیم پهلوی می‌دانستند و گمانه‌زنی‌هایی نیز پیرامون احتمال دست‌داشتن رژیم اسرائیل در آن حادثه مطرح بود. به هر تقدیر ماجرا با دخالت نیروهای ویژه پلیس انگلیس پایان یافت. در طول دوران جنگ هشت‌ساله

دیپلمات‌هایشان چندین‌بار ناگزیر شده‌اند چمدان خود را بسته و به پایتخت‌های متبوعشان بازگردند. گاهی کورسوی چراغی در سفارت‌خانه‌ها روشن مانده و گاه، در آن برای مدتی نامعلوم، بسته شده است. این شرایط تقریبا در رابطه ایران و انگلستان با هیچ کشور دیگری دیده نشده است، اگرچه ساختمان دیپلماتیک ایالات‌متحده در تهران در سال ۵۸ توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اشغال شد و آمریکا بالا‌فصله و البته یک بار تا به امروز، قطع رابطه با ایران را اعلام کرد اما وضعیت ایران و بریتانیا از این جهت منحصر‌به‌فرد است که صفحات تاریخ روابط میان آنها، مملو از جملات تکراری است: «کارکنان سفارت، محل مأموریت خود را ترک کرده و به کشورشان فراخوانده شدند». هادی سلیمیپور و نصرت‌الله تاجیک، دو دیپلمات ایرانی در انگلیس بودند که البته به علت داشتن اتهاماتی خارج از انگلیس، در طول این سده‌ده توسط بریتانیا بازداشت شدند و البته پس از رازینی‌های گسترده، هر دو به ایران تویل داده شدند. حالا دوسال از حمله جریان‌های تندرو به سفارت انگلیس در خیابان فردوسی تهران که به‌قطع روابط رسمی میان دو کشور انجامید، سخن از «کاردار غیرمقیم» برای بازگشایی سفارت‌خانه‌ها شده است. دولت یازدهم که در سیاست خارجی بر اساس دکترین دوران اصلاحات، تنش‌زدایی را دنبال کرده و اصل غیرقابل کتمان پیوستگی کشورها در جهان امروز و اثر دیپلماسی بر توسعه کشورها را باور دارد، بیش از این بسته‌بودن سفارت‌خانه‌ها را به صلاح ندید. پیش از آن و در دل اروپا، دیوید کامرون نخست‌وزیر دولت محافظه‌کار بریتانیا، نامه‌ای به آدرس نهاد ریاست‌جمهوری فرستاد و پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم را با ابراز امیدواری به توسعه روابط، شادبانش گفت. با این مقدمه کوتاه، واکاوی آنچه در طول این سال‌ها در حوزه تعاملات سیاست خارجی میان دو کشور ردوبدل شده، خالی از لطف نیست.

دوست و رقیب

بریتانیا در زمینه حضور در ایران به شکل امروزی آن، دوقرن است که این رابطه را به‌عنوان یک «هدف راهبردی» برای خود تعریف کرده است. شاهد مثال این مدعا، تلاش این پیر عرصه سیاست و دیپلماسی در تلاش برای بازماندن کاتال‌های ارتباطی حتی پس از تنش‌های جدی است که عمداً پس از پیروزی انقلاب در ایران، بروز و ظهور یافته است. دکتر صادق زیباکلام در یکی از یادداشت‌های خود در «شرق» که به واسطه اعلام آن سرگیری روابط دو کشور با «کاردار ترددی» نوشته شد، رابطه میان ایران و انگلیس را به رابط‌های زناشویی تعبیر کرده است که به مو می‌رسد اما گسسته نمی‌شود. مختصات این رابطه پیش و پس از انقلاب، البته دارای تفاوت‌های ماهوی است. به عنوان نمونه اگرچه نوع مواجهه رژیم پهلوی با بریتانیا، با نیمه‌نگاهی به رابطه پهلوی‌ها با ایالات‌متحده

سال	رخداد
۱۹۵۱	ملی‌شدن شرکت نفت ایران و انگلیس توسط دولت ایران که منجر به مناقشات بعدی با انگلیس شد
۱۹۵۳	سقوط دولت ملی دکترمحمد مصدق، در جریان کودتای طر ا‌حی‌شده توسط انگلیس و آمریکا
۱۹۷۹	تعطیلی سفارت انگلیس و انتقال دیپلمات‌ها به بخش حافظ منافع در سفارت سوئد پس از انقلاب‌اسلامی
۳۰ آوریل تا ۵می ۱۹۸۰	حمله به سفارت ایران در لندن و گروگانگیری کارکنان. نیروهای ویژه انگلیس آنها را آزاد کردند.
۱۹۸۸	بازگشایی سفارت انگلیس در تهران پس از روی‌کار آمدن دولت سازندگی و دیپلماسی جدید ایران
فوریه ۱۹۸۹	قطع روابط با لندن پس از فتوای امام(ره) درباره سلمان رشدی
سپتامبر ۱۹۹۰	از سرگیری روابط البته در سطح کاردار
می ۱۹۹۷	سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران می‌شود. تلاش برای از سرگیری کامل روابط بین دو کشور
سپتامبر ۱۹۹۸	ارتقای روابط با انگلیس به سطح سفیر
ژانویه ۲۰۰۰	سفر وزیر خارجه ایران، کمال خرازی، به لندن
سپتامبر ۲۰۰۱	چک استراو به‌عنوان اولین وزیر خارجه انگلیس بعد از انقلاب برای پیگیری موضوع انتلاف علیه طالبان وارد ایران شد.
فوریه ۲۰۰۲	تیرگی روابط در حال بهبود بم‌دلیل امتناع ایران از پذیرش سفیر جدید انگلیس، دیوید دراوی، و جاسوس‌خواندن وی
ژوئن ۲۰۰۳	درخواست انگلیس از ایران برای بازرسی‌های دقیق‌تر از تأسیسات هسته‌ای
۲۱ اگوست۲۰۰۳	دستگیری دیپلمات ایرانی، هادی سلیمانپور در انگلیس به اتهام دخالت در اعمال تروریستی در آرژانتین
۲۷ اگوست۲۰۰۳	علی آه‌تی، معاون وزیر خارجه ایران، برای آزادی سلیمانپور به لندن رفت. استراو به آه‌تی: نمی‌توانم در کار قوه‌قضاییه دخالت کنم.
سپتامبر ۲۰۰۳	فراخوانی سفیر ایران در لندن به‌منظور «برخی مشورت‌ها». تهدید سفارت انگلیس در تهران
نوامبر ۲۰۰۳	میانجیگری وزرای خارجه انگلیس، آلمان، و فرانسه و اعلام تعلیق برنامه غنی‌سازی اور انیوم و پذیرش بازرسی‌ها توسط ایران
می ۲۰۰۴	تظاهرات در مقابل سفارت انگلیس و اعتراض به جنگیدن نظامیان انگلیسی و آمریکایی در نزدیکی شهرهای مقدس عراق با روی‌کار آمدن احمدی‌نژاد، انگلیس، آلمان و فرانسه در آژ انس علیه ایران بیانییه می‌دهند.
۱۸ ژوئن۲۰۰۴	بازداشت هشت‌ملوان انگلیسی به‌دلیل ورود به آب‌های ایران. آنها سمروزه آزاد شدند.
۲۱ ژوئن۲۰۰۴	حمله به سفارت انگلیس در تهران در اعتراض به رویکرد جهانی به برنامه هسته‌ای ایران
۲۸ سپتامبر ۲۰۰۵	کشته‌شدن پنج‌نفر از مردم اهواز در جریان چند انفجار و اعلام دست‌داشتن انگلیس در آن توسط ایران
۱۵ اکتبر ۲۰۰۵	تاکید نخست‌وزیر انگلیس، تونی بلر بر اینکه هیچ نرمشی در رویکرد انگلیس به ایران صورت نگرفته است.
۱۳ نوامبر ۲۰۰۶	قطعه‌نامه شور ای امنیت سازمان‌ملل در باره برنامه هسته‌ای ایران. تهیه پیش‌نویس قطعه‌نامه با همکاری انگلیس
۲۳ دسامبر ۲۰۰۶	سخنرانی گوردون براون نخست‌وزیر جدید بریتانیا در پارلمان اسرائیل و تأکید بر توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران
جولای ۲۰۰۸	محمود احمدی‌نژاد برای انگلیس پیام تبریک کریسمس فرستاد.
دسامبر ۲۰۰۸	اعلام توقف فعالیت‌های کنسولگری انگلیس که از سال ۱۹۶۱ در ایران فعال بود، به‌دلیل آنچه فشار بر کارکنان آن توسط ایران خوانده شد.
ژانویه۲۰۰۹	پرس‌تی‌وی اعلام کرد چهار نفر که گفته می‌شوند تروریست هستند و روابطی با انگلیس دارند، در ایران دستگیر شده‌اند. تکذیب لندن
نوامبر ۲۰۱۱	اعمال تحریم توسط انگلیس علیه بانک مرکزی ایران پس از گزارش آژ انس انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران
۲۱ نوامبر۲۰۱۱	مجلس ایران به اخراج سفیر انگلیس از تهران رای داد. روابط تجاری و اقتصادی با انگلیس نیز تضعیف شد.
۲۷ نوامبر۲۰۱۱	حمله معترضان ایرانی به سفارت انگلیس در تهران با و ورود به آن و اعلام تعطیلی سفارت‌خانه‌های دو کشور
۲۹ نوامبر۲۰۱۱	پیام تبریک دیوید کامرون در پی پیروزی حسن روحانی و آغاز دور تازه‌ای از مذاکرات میان ایران و ۱ و ۵+۱. توافق بر سر بازگشایی سفارت‌خانه‌ها با کاردار غیرمقیم